

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر
۰۶ جنوری ۲۰۱۵

افزایش بهای نان،

تعرض جدید جمهوری اسلامی به معیشت توده ها

در اوایل آذر ماه [قوس]، دولت "امید و تدبیر" روحانی، با ادعاهائی هم چون "بهبود کیفیت نان" و حل مشکل "افزایش هزینه های نانوائان" مجوز افزایش قیمت نان به میزان حداقل ۳۰ درصد را صادر کرد. با اعلام این تصمیم از زبان سخنگوی دولت، بلافاصله نرخ نان به صورت تصاعدی در سراسر کشور بالا رفت و بر طبق گزارشات منتشره، در برخی از شهرها نظیر شیراز، نرخ نان عرضه شده در نانوائی ها تا ۱۰۰ درصد و در نقاط دیگر حتی تا ۲۰۰ درصد افزایش یافت. تا جایی که بهای یک عدد نان بربری در برخی نقاط کشور به هزار تومان و نان لواش به ۳۰۰ تومان هم رسید. چند روز پس از اعلام این تصمیم، گزارشات منتشره در شبکه های اجتماعی روشن ساختند که علی رغم ادعای بهبود کیفیت نان نه تنها تغییری در کیفیت نان به وجود نیامده بلکه هر روز کیفیت نانی که در اختیار مردم قرار می گیرد بیشتر نزول کرده و می کند.

از سوی دیگر با این که یکی از دلایل دولت برای افزایش قیمت نان درخواست نانوائان برای افزایش دستمزد کارگران نانوائی ها قلمداد شده، اما به عکس این تبلیغات در روزهای اخیر، شاهد افزایش شمار شکایات و اعتراضات کارگران نانوائی راجع به عدم "افزایش دستمزدها" نشان داده ایم. علاوه بر این، بنا به گزارشات خود رسانه های جمهوری اسلامی با افزایش بهای نان تغییر بزرگی در وضعیت نانوائان نیز به وجود نیامده؛ بالعکس هزینه های آن ها افزایش یافته چرا که همین گزارشات معلوم می کنند که همزمان با صدور مجوز افزایش ۳۰ درصدی در بهای نان، دولت ۴۴ درصد بر قیمت آرد عرضه شده به نانوائان نیز افزوده و در همان حال حدود ۲۰ درصد از میزان عرضه آرد سوبسیدی به آنان کاسته است. این اقدام معنایی جز افزایش باز هم بیشتر قیمت نان و انتقال بار خانه خراب کن یک گرانی وحشتناک در این کالای اساسی، بر دوش مصرف کنندگان یعنی اکثریت آحاد جامعه ندارد. همان مصرف کنندگانی که نان خالی، قوت غالب اکثریت شان را تشکیل می دهد و حال با این گرانی مجبورند که برای زنده ماندن حتی از یک لقمه نان خود و خانواده هایشان بیشتر بپزند.

در رویدادهای منتهی به تصمیم افزایش تصاعدی بهای نان، دولت روحانی که پُر مبارزه با تورم هم به خود گرفته، وعده داده بود که برای جلوگیری از فشار به توده ها قیمت ها با "شیب ملایم" افزایش پیدا خواهد کرد. اما یک بار دیگر سیر رویدادها نشان داد که دولتمردان جمهوری اسلامی تا چه حد دروغگو هستند و در جمهوری اسلامی این نه وعده های مقامات و دولت بلکه عملکرد آن هاست که باید مورد مذاقه قرار گیرد. چرا که تأثیر افزایش اخیر قیمت ها به طور

بی سابقه به درجه ای ست که حتی صدای برخی سایت های طرفدار جمهوری اسلامی نظیر سایت تابناک را هم در آورده و این سایت گزارش داده که بالا رفتن قیمت نان "چنان اوضاع سردرگمی" را سبب شده که در کشور "بی سابقه" می باشد.

روشن است که چنین افزایش چشمگیری در بهای نان از سوی دولت روحانی، جز به معنای یک تعرض گسترده تر به سفره تهی توده های محروم نیست. چرا که در تجربه زندگی توده ها، گرانی نان به طور اجتناب ناپذیر گرانی سایر اقلام اولیه و به ویژه مواد خوراکی دیگر را باعث خواهد شد. علاوه بر این، گرانی نان بر بستر گرانی های دیگری که در ماه های اخیر در نرخ حامل های انرژی یعنی برق و آب و گاز اتفاق افتاده، در درجه اول، کمر خانواده های کارگری و کم درآمد را به تدریج در زیر فشار های اقتصادی فزاینده طبقه حاکم خرد خواهد کرد. افزایش قیمت نان در نفس خود، پیام دهنده اوضاع وخیم تر معیشتی ست که در ماه های آینده در نظام استثمارگرانه حاکم، در انتظار میلیون ها خانوار تهیدست نشسته است.

مشاهده این واقعیت، به طور طبیعی خشم و نارضایتی بسیار گسترده ای را در میان توده ها دامن زده و چهره واقعی و ضد خلقی "دولت امید و تدبیر" روحانی فریبکار را در عمل، بار دیگر و هر چه بیشتر به نمایش عمومی گذارده است. به دنبال انعکاس خبر افزایش چشمگیر قیمت نان، این روزها در میان مردم بسیار شنیده می شود که در اعتراض به افزایش قیمت نان به یک دیگر می گویند تا به حال می گفتیم "قوت لا يموت" (غذای بخور و نمیر) ولی در این دولت باید بگوئیم "لا قوت! يموت!" (هیچ غذائی نیست پس بمیر!) انعکاس این واقعیت، محافلی از خود هیأت حاکمه و بوق های تبلیغاتی آن ها را نیز بیمناک کرده است. تا جایی که مشاهده "فشار" ناشی از این تصمیم ضد مردمی و هراس از عواقب آن، این محافل را وا داشته تا دولت روحانی را سرزنش کنند که می بایست در مورد نان با "احتیاط بیشتری" تصمیم گیری می شد، چرا که این موضوع باعث "ایجاد بار روانی منفی در جامعه" شده است. (رجوع شود به مطلب "چند نکته درباره گرانی قوت غالب مردم" در سرویس اقتصادی فردا نیوز، ۱ دسمبر ۲۰۱۴)

با توجه به این واقعیت که از نان بدرستی به عنوان یک "کالای ستراتیژیک" در سبد غذایی مردم نام برده می شود، برای این که گوشه ای از تأثیرات افزایش تا صد در صدی بهای نان بر روی خانواده های زحمتکش و کم درآمد کمی واضح تر گردد لازم است تا یاد آوری گردد که آمارهای بانک مرکزی در مورد نمودار مصرف خوراکی به طور کلی و نان به طور مشخص بیانگر آنند که میزان "مصرف سرانه غذا" در طول ۸ سال گذشته ۱۲ درصد در میان خانواده های ایرانی کاهش یافته است. همین آمار اضافه می کنند که به دلیل افزایش قیمت و موج بیکاری های وسیع ناشی از تعطیلی واحد های تولیدی و کارخانجات و اخراج های گسترده توسط سرمایه داران، در طول مدت نامبرده از میزان مصرف نان مردم نیز حدود ۱۲ درصد کاسته شده است. هنگامی که همین آمار را به ۲۲ سال گذشته (همگام با تشدید اجرای برنامه های امپریالیستی موسوم به تعدیل اقتصادی) بسط دهیم، روشن می گردد که میزان مصرف نان مردم ۵۰ درصد کاهش داشته است! واقعیتی که معنایی جز تحمیل گرسنگی به محرومان را ندارد. چرا که روشن است که قربانیان این "کاهش مصرف نان" به طور اولی میلیون ها تن از کارگران و اقشار محرومی هستند که نان، قوت لایموت آن ها را تشکیل داده و تا پیش از افزایش قیمت اخیر هم بسختی از تأمین نان مورد نیاز خود و خانواده هایشان بر می آمدند.

اما این افزایش شدید قیمت تنها به معنی صرف کوچک تر شدن سفره محقر توده های زحمتکش نیست. در شرایط بیکاری بسیار گسترده و عدم وجود درآمد مکفی برای زنده ماندن در مورد بسیاری از محرومان، عواقب فاجعه بار این تعرض هر چه شدیدتر خود را در سطح اجتماعی منعکس می کند. برای هر کسی که با شرایط وحشتناک ناشی از حاکمیت جمهوری اسلامی در جامعه تحت سلطه ما آشنا باشد، تصور این قضیه دشوار نیست که به دنبال این گرانی

شدید در قیمت نان و سخت تر شدن تهیه آن چگونه بار اقتصادی سهمگین این افزایش قیمت، به موج وسیعتری از فروپاشی شیرازه خانواده های محروم، بی خانمانی و کارتن خوابی، دزدی و فحشاء و سایر بیماری های اجتماعی، منجر خواهد گشت. از افزایش تعداد خودکشی در میان کارگران و زحمتکشان بیکاری که تحمل مشاهده گرسنگی روزافزون خانواده هایشان را ندارند گرفته تا سرعت سوق یافتن زنان و دختران خانواده های محروم و کم درآمد و یا فاقد درآمد به تن فروشی برای یافتن ممر درآمد و بالاخره تشدید بیماری ها و عارضه های روانی در میان توده هایی که کمر آن ها هر چه بیشتر در زیر بار گرانی سرسام آور نان بخور و نمیر آن ها خم شده، از زمره تجلیات طبیعی چنین تعرض وحشیانه ای از سوی طبقه حاکم به سطح معاش زحمتکشان خواهد بود.

بنا براین از هر زاویه ای که به سیاست خانه خراب کن افزایش شدید قیمت نان توسط دولت فریبکار روحانی و تأثیرات این سیاست ضد مردمی در زندگی مردم عادی به طور کلی و بخش بزرگ اقشار کارگر و زحمتکش به طور مشخص بنگریم، جای انکار نیست که افزایش قیمت نان چه عواقب مرگباری در تمام عرصه ها بر زندگی توده ها بر جای می گذارد.

در کوران خشم و نفرتی که اعلام تصمیم اخیر دولت بر زندگی میلیون ها تن از توده های کارگر و بی چیز حاکم کرده، اقتصاد دانان جیره خوار حکومتی که وظیفه ای جز تئوریزه کردن سیاست سرمایه داران حاکم و تحمیق مردم را ندارند، با عوام فریبی بر سیاست خانه خراب کن افزایش نان در شرایط فقر و گرسنگی روزافزون ستمدیدگان جامعه نام دهان پُرکن "اصلاح" نرخ آرد و نان گذارده اند. لفظ اصلاح در نفس خود به معنی از بین بردن یک کاستی و عیب و بیانگر حرکت به طرف پیشرفت و بهبود در وضعیت موجود است. اما اساس آن چه که توده های آگاه در عمل و در جریان این گونه به اصطلاح اصلاحات دیده اند، حذف تدریجی سوبسیدها از کالاهای اساسی مورد نیاز زندگی شان، آن هم در شرایط کاهش دستمزدها و بیکاری روز افزون بوده که به وخامت هر چه بیشتر زندگی آن ها انجامیده است. اصلاح قیمت نان، درست به مانند همان "اصلاحاتی" ست که در حوزه های دیگر اقتصاد، در طول حیات دولت های ضد مردمی رفسنجانی و خاتمی و احمدی نژاد و بعد هم روحانی با چماق سرکوب قدرت دولتی اجراء شد و منجر به آن گشت که به بهای کسب سود و نعمات بیشتر توسط سرمایه داران و کارفرمایان حاکم، زندگی مردم هر چه بیشتر به یک جهنم مرگبار تبدیل گردد. امروز مبلغان این اصلاحات فریبکارانه برای تعرضات شدیداً ضد مردمی دولت روحانی و اسلاف وی نیز که یک نمونه اش "اصلاح" قیمت نان است، هورا می کشند و پیشبرد این سیاست های اقتصادی ضد خلقی را برای "اصلاح اقتصاد" بیمار کنونی و "تنظیم بازار" و "رشد اقتصادی" و از این گونه اراجیف، ضروری می شمارند. اما خارج از این تبلیغات مسموم، واقعیت این است که حتی قبل از افزایش قیمت اخیر، به اعتراف خود رسانه های رژیم، "میزان مصرف نان يك خانوار چهار نفره از ۶۹۰ کیلوگرم در سال ۸۴ به ۴۷۲ کیلوگرم در سال ۹۲ کاهش یافته" (خبرگزاری مهر) امری که نشان می دهد نتیجه این "اصلاحات" چیزی جز بریدن حداقل نان مورد نیاز برای سیر کردن خانواده های کارگری و محروم و تضمین بقای بخور و نمیر آن ها تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی نخواهد بود.

حقیقت آن است که "اصلاحات" اخیر در حقیقت اجرای بخش دیگری از سیاست های کلان اقتصادی ست که تنها یک پرده آن زیر نام پر طمطراق "حذف سوبسیدها" در دوره رفسنجانی بحثش آغاز و در دوره خاتمی ادامه یافت. دولت احمدی نژاد نیز این سیاست ضد مردمی را زیر نام "هدفمندی یارانه ها" اجراء نمود و اکنون نیز دولت روحانی اجرای بخش های دیگر آن را بر عهده گرفته است. هدف نهائی چنین پروژه ضد مردمی رها سازی قیمت ها به دست بازار و از بین بردن هر گونه کنترل و حمایت های ضروریست که دولت باید برای تهیه اقلام اساسی مورد نیاز توده های تحت ستم به منظور جلوگیری از اضمحلال شیرازه اقتصادی صد ها هزار تن از آحاد متعلق به دهک های تحتانی

جامعه بر عهده بگیرد. این اصلاحات اقتصادی طرحی دیکته شده توسط نهادهای امپریالیستی نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است که در جهت تسهیل گسترش سرمایه های انحصارات بزرگ در لافافه "بازار آزاد" و "خصوصی سازی" در تمام بازارهای تحت سلطه سرمایه های مالی، مهندسی و به اجراء درآمده است. این سیاست که حذف سوبسیدهای کالاهای اساسی نظیر حامل های انرژی و نان و مواد خوراکی در پیشبرد آن نقشی کلیدی ایفا می کند، عملاً موجب سقوط سطح زندگی و تحمیل فقر و گرسنگی بیشتر به توده های محروم شده و در همان حال با تنظیم بازار به نفع سرمایه داران داخلی و خارجی به افزایش سود آن ها و تشدید غارت و استثمار طبقات محروم منجر می گردد. انعکاس واقعیت فوق را می توان مستقیماً در شرایط طاقت فرسا و زندگی بخور و نمیر صد ها هزار خانواده کارگری و زحمتکش و در دهک های پائین جامعه تحت سلطه ما دید که با هر گامی که دولت های رنگارنگ جمهوری اسلامی در ۳۵ سال گذشته هنگام پیشبرد این سیاست امپریالیستی برداشته اند، سفره شان هر روز کوچک تر شده و در مقایسه با قبل هر چه بیشتر به مرداب فقر و گرسنگی و محرومیت و نتایج فاجعه بار آن فرو رفته اند. تجربه تمامی برنامه های توسعه اقتصادی و اصلاحات جمهوری اسلامی در طول ۳۵ سال گذشته مبین حقیقت فوق است.

در ورای افزایش قیمت نان واقعیت بزرگ تری وجود دارد که باید از سوی توده های آگاه مورد توجه قرار گیرد همان طور که سیر رویدادها پس از انتصاب روحانی و دولت "امید و تدبیر" (بخوان دولت فریب و دروغ کنونی) نشان می دهد، وی هیچ رسالتی به جز پیگیری برنامه های اقتصادی دیکته شده به حکومت را با اتکاء به چماق سرکوب و اعدام ندارد. اعمالی نظیر افزایش وحشتناک قیمت نان و تحمیل گرسنگی شدیدتر و محرومیت هر چه بیشتر به کارگران و زحمتکشان تنها یکی از اهداف انتصاب او از سوی طبقه حاکم به عنوان رئیس جمهور می باشد که وی در خدمت به آن ها روی کار آمده است. این واقعیت نشان می دهد که در جمهوری اسلامی چگونه حتی تأمین نان برای زنده ماندن نیز هر چه بیشتر با ضرورت مبارزه مرگ و زندگی برای به زیر کشیدن مسببان این وضع و نظام نکبت بار آنان گره خورده است.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۸۶ ، آذر ماه [قوس] ۱۳۹۳